



ماده شانزدهم اعلامیه حقوق بشر میگوید : «هر زن و مرد بالغانی حق دارند بدون هیچگونه محدودیت از نظر نژاد ، ملیت ، تابعیت ، پیامد ، باهمدیگر زناشویی کنند و تشکیل خانواده دهند .
در تمام مدت زناشویی و هنگام انحلال آن ، زن و شوهر ، در کلیه امور مربوط بوظایف و واج ، دارای حقوق مساوی می باشند .»
اما اسلام ... ؟

دادگاه خانوادگی

* تفاهم رمز سعادت است

* تشکیل محکمه خانوادگی

* امتیازات این دادگاه

هر اجتماعی که تفاهم و صمیمیت بین افراد آن ، بیشتر باشد ، طبعاً قوا و نیروهای آنان ، در مسیر اصلاحی و سعادت همگانی بسیج خواهد شد ، و در نتیجه عظمت و سیادت ، از آن افراد آن اجتماع خواهد گردید .

ولی چنانچه در اجتماعی نفاق و دوئیت ، جانشین تفاهم و صمیمیت گردد و افراد آن سرگرم تصفیه حساب ، و مشغول سنگر بندی علیه یکدیگر و اختلاف داخلی خود باشند ، دیر یا زود ، نظام آن اجتماع از هم گسیخته ، آرامش و سیادت و عزت ، از آن ، رخت بر - خواهد بست !

روی همین حساب است که آئین اسلام ، تمام عوامل و راههایی را که منجر بصفای صمیمیت بین افراد جامعه میشود ، بکار بستن آنها را با تأکید فراوان ، توصیه میکند .

ولی از اسباب و علل نفرت و انزجار ، شدیداً نکوهش و مذمت مینماید : «در بسیاری از

در گوشی گفتنشان ، خیری نیست ، مگر کسیکه امر بصدق دادن ، یا نکوئی کردن ، یا اصلاح میان مردم کند (۱) «نزاع و مناقشه نکنید ؛ و گرنه بیونند شما گسیخته ؛ آرامش شما سبب خواهد شد» (۲) .

و باید توجه داشت که این قاعده کالی (تفاهیم و صمیمیت ، موجب سر بلندی و سعادت افراد جامعه ، نفاق و دوئیت ، باعث شکست و بدبختی آنان است) تنها مربوط با اجتماع بزرگ نیست بلکه درباره اجتماع کوچک و کانون خانواده نیز ، صادق است .

هر گاه زن و شوهری ، نسبت بهم ، بی مهر شده ، خرده گیری آغاز کرده و بنای ناسازم گاری را نهادند ، شك نیست که در صورت ادامه آن وضع ؛ کانون خانواده بجای آنکه يك محیط آرامش خاطر ، صمیمیت ، تفاهم ، همکاری ، نشاط ... باشد ، بیک جهنم سوزان ، و يك محیط سراسر کینه ، عداوت ، نفاق ، افسردگی ... تبدیل خواهد شد !

بدیهی است که ادامه این وضع خطرناک ، زیانهای جبران ناپذیری برای «کیان خانواده» و کودکان خردسال ، و بالاخره اجتماع بزرگ خواهد داشت .

ولذا اسلام ، در اینگونه موارد حساس و بحرانی که زن و شوهر ، سرگرم کینه توزی و فراهم کردن مقدمات ، برای پیروزی بر یکدیگرند ، آنها را آزاد نگذاشته ، دست آنان را برای اجرای طلاق ، باز نساخته است بلکه بطوریکه ذیلا خواهیم دید ، نهایت دقت را برای رفع بحران خانوادگی آنان ، مبذول داشته است .

تشکیل محکمه خانوادگی

هنگامیکه آثار اختلاف و کشمکش ، بین زن و شوهر ، مشاهده گردید ، و معلوم شد که آنها پیش خود قادر به تفاهم و حل اختلاف میان خود نیستند ، اسلام دستور میدهد که افراد نیکوکار ، بکمک آنان شتافته ، محکمه ای از افراد با تجربه و پخته و باصلاح «ریش سفیدان» خانواده آنان ، تشکیل دهند ، تا مشکلات و عواملی که موجب نفاق و کشمکش میان زن و شوهر شده است ، در آن محکمه ، بطور خصوصی و خودمانی ، مورد بررسی قرار گیرد : « **وَ اِنْ خِفْتُمْ شِقَاقَ**

بَيْنِهِمَا فَاَبْعَثُوا حَكَمًا مِنْ اَهْلِهِ وَ حَكَمًا مِنْ اَهْلِهَا اِنْ يَرِيدَا اَصْلَاحًا يُوَفِّقُ اللّٰهُ بَيْنَهُمَا

اِنَّ اللّٰهَ كَانَ عَلِيْمًا حَكِيْمًا یعنی : اگر از اختلاف میان آنها بیم داشتید ؛ داوری از کسان مرد و داوری از کسان زن ، انتخاب کرده بسوی آنان بفرستید ، هر گاه آنها خواهان صلح و

(۱) لاخیر فی کثیر من نجواهم الامن امر بصدق او معروف او اصلاح بین الناس

(سوره نساء آیه ۱۱۴) (۲) ولاتنازعوا فتفشلوا و تذهب ربکم (سوره نفال آیه ۴۶) .

سازش باشند ، خداوند ، میانشان ، سازش برقرار سازد ، زیرا او داناست و حکیم است . (۱)

این دادگاه ، هر رأیی که مربوط به «اصلاح ذات البین» و برقراری پیوند زناشویی و رفع اختلاف میان زوجین باشد ، صادر کند ، بر آنها لازم است که از آن ، پیروی نمایند مگر آنکه رأی دادگاه بر جدائی و انحلال عقد ازدواج ، تعلق گیرد ، در این صورت ، رأی دادگاه بدون رضایت آنها نافذ نخواهد بود (۲) .

و این معنی نیز بخوبی نشان میدهد که اسلام از هر راهی که ممکن است ، می خواهد از وقوع طلاق ، جلوگیری بعمل آورده ، تفاهم و صمیمیت را جایگزین نفاق و جدائی گرداند .

امتیازات این دادگاه ؟

محکمه «خانوادگی» که از ابتکارات آئین اسلام ، بشمار میرود و در ممالک اروپائی و غربی هنوز هم ، از آن خبری نیست ، نسبت به محاکم رسمی که در آن سامان به محض بروز اختلاف میان زوجین ، مرجع رسیدگی آنهاست ، امتیازاتی دارد که به برخی از آنها در زیر ، اشاره میشود :

۱ - محاکم رسمی ، روی پایه های خشک و انعطاف ناپذیر قوانین ، استوار است . در آن گونه محاکم ، وظیفه قاضی اینست که : دلائل طرفین را بشنود ، آنگاه دلائل هر کدام که صحیحتر و قانع کننده تر بود ، طبق قانون ، برفع او حکم نماید .

او هیچگاه در این فکر نیست که در محیط خانواده چه میگذرد ، و میان زن و شوهر ، چه آتشی روشن است ؟ ! او اصراری در خاموش کردن آتش اختلاف ، و آشتی دادن میان آنها ندارد ! او موظف است بعد از اجتماع شرایط و فراهم شدن مقدمات و استماع دلائل طرفین ، در قلمرو قانون ، و چهارچوب مواد معین ، میان آنها حکم نماید !

ولی «دادگاه خانوادگی» اینطور نیست ، زیرا کسان زن و مرد که بخاطر سر و صورت دادن بوضع نابسامان آنها گرد هم جمع شده اند ، از آنجا که خود راهیم در سود و زیان کارهای آنان ، میدانند و سازگاری و ناسازگاری ، و انحلال پیوند زناشویی آنان ، تأثیر

(۱) سوره نساء آیه ۳۵

(۲) دانشمندان علم تفسیر ، از مجموع آیه مخصوصاً از اینکه قرآن ، از اعضاء دادگاه خانوادگی ، تعبیر به «حکم» کرده نه «حاکم» احکام فوق را استنباط کرده اند .

برای توضیح بیشتر ، رجوع شود به کتاب «حقائق التأویل فی متشابه التنزیل» تألیف سید رضی رحمه الله علیه .

مستقیم در وضع زندگی خود آنها خواهد داشت و در حقیقت تشکیل دادگاه، منبث از نیازمندی شدید اعضاء خود دادگاه است، از این جهت آنها با جدیت و صمیمیت هر چه بیشتر، و با اغماض و نادیده گرفتن بعضی از جزئیات و گذشت پاره ای از حقوق (دور از قوانین خشک محاکم دیگر) سعی میکنند که آن آتش اختلاف را هر چه زودتر خاموش کنند و آب از جوی رفته را دوباره بآن بازگردانند.

۲- از آنجا که اعضاء «دادگاه خانوادگی» همه از کسان زن و شوهرند و از امور داخلی و اسرار درون خانه آنها تقریباً با خبر هستند، و آنها نیز از فاش ساختن اسرار داخلی خود، در برابر اعضاء خانواده خویش، احساس شرم و ناراحتی نمیکند، از این جهت، اینکار لطمه ای بکرامت و شخصیت و اعتبار زوجین، در جامعه وارد نساخته، آنان را در امر اختلاف، جری تر نخواهد نمود.

ولی محاکم رسمی برخلاف محکمه خانوادگی، از عوامل افزایش اختلاف و لطمه بشفافیت و شخصیت زوجین و خانواده آنهاست، زیرا زن و مرد، برای اثبات مدعای خود، ناگزیر بایستی اسرار پشت پرده را آشکار کرده، گفتنیها را بگویند، و بقول حافظ «راز سر بهرشان را با عالم، سمر سازند» بدیهی است که اینکار اولاً احساسات طرفین را جریحه دار میکند و در نتیجه شکاف میان آنها عمیق تر شده، کار آنها بجدائی خواهد انجامید.

و ثانیاً فاش کردن جزئیات اسرار خانه و خانواده در مقابل بیگانه، با کرامت و شخصیت زن و مرد و خانواده آنها سازگار نخواهد بود.

۳- اصولاً محاکم رسمی برای این پدید آمده که مشکلات و معضلات مهم اجتماعی را که مردم پیش خود بطور خصوصی و خودممانی نمیتوانند حل کنند، رسیدگی نماید، نه هر حادثه جزئی حتی امور داخلی زناشویی را.

و اگر بنا شود، محاکم رسمی در هر امر جزئی دخالت کند و تمام مسائل جزئی و کلی بآن ارجاع شود، هر خانه ای نیازمند بچند دادگاه خواهد بود و در آن صورت هر گاه دولت جمعیت جزء کادر تشکیلات قضائی شوند، باز هم کم خواهد آمد!!

روی این جهات و امتیازات بوده که اسلام، دستور داده: هنگامیکه میان زن و شوهر، آثار اختلاف و جدائی مشاهده گردید و آنها پیش خود نتوانستند با هم کنار آمده و تفاهم کنند، برای آنکه بنیان خانواده آنها از راه طلاق، ویران نگردد بجای محاکم رسمی «دادگاه خانوادگی» بکمک آنان شتافته، میانشان صلح و آشتی برقرار سازد.